

آینهٔ خواص

صمصعه‌بن‌صوحان - ۲

در دوران خلفا

از دوران کودکی صمصعه اطلاعاتی در دست نیست و به نظر می‌رسد وی در زمان رسول خدا(ص) خردسال بوده است و زندگی او در تاریخ از دوران خلیفه دوم شروع شده است.

تنها گزارشی که از این دوره از زندگی او در منابع می‌توان یافت روایتی است که از آن بوی شجاعت و درایت به مشام می‌رسد. نقل شده در ایام جوانی صمصعه، روزی مالی از ناحیه ابوموسی برای خلیفه دوم می‌آید، رسیدن این مال پس از تقسیم بیت‌المال بوده و در عین حال، رقم هنگفتی (نزدیک به یک میلیون درهم) بوده است. خلیفه به بالای منبر رفته و از نحوه تقسیم این مال در آن شرایط سؤال می‌کند. صمصعه جوان برمی‌خیزد و می‌گوید: «جایی از مردم نظر می‌خواهی که در قرآن اجازه داده نشده است. آن را همان جا قرار بده که خداوند قرار داده است.» خلیفه او را تصدیق کرده و می‌گوید: «تو از منی و من از تو!» و سپس آن مال را میان مسلمانان تقسیم می‌کند.»

اما در دوران خلیفه سوم نقل شده است در سال ۳۳ هجری چند نفر از اشراف کوفه، مهتران و فصیحان عرب، به انتقاد از رفتارهای خلیفه سوم پرداختند که از آن جمله مالک اشتر و صمصعه بودند.

روش خلیفه این بود که بر هر کس خشم می‌گرفت او را نفی بلد می‌کرد؛ لذا همه آن افراد از جمله صمصعه را تبعید کرد.

وقتی آن گروه (مالک اشتر، ثابت‌بن‌قیس همدانی، کمیل‌بن‌زیاد و زیدبن‌صوحان و صمصعه، جنذب‌بن‌زهیر و جنذب‌بن‌کعب ازدی، عروه‌بن‌جعد، عمروبن‌حمق و ابن‌کواه) به حمص رسیدند، عبدالرحمن بن‌خالد بن‌ولید و امیر حمص، در مدت سکونت آنان بارها ایشان را مورد تحقیر و توهین قرار دادند و سرانجام از معاویه در خواست کردند که ایشان را به کوفه بازگرداند.

روزی صمصعه علیه عثمان سخنرانی مفصلی کرد. عثمان نیز که از سخنان او به خشم آمده بود، او را با عبارتی توهین‌آمیز فراخواند و گفت: او نه می‌داند خدا کیست و نه اینکه خدا کجاست(کنایه از اینکه نه عظمت خدا را در نظر می‌گیرد و نه به این توجه دارد که او در همه جا حاضر است و سخنانش را می‌شنود) البته او با ظرافت این انتقاده‌ا را از او کرد، بی‌آنکه به او نسبت فکر داده باشد. صمصعه نیز به تفصیل پاسخ او را داد. در یکی از ملاقات‌هایی که در طول تبعید صمصعه و دیگر کوفیان به شام با معاویه رخ داد، معاویه خطاب به آنها این آیه را قرائت کرد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَرُوا وَأُخْتُفِلُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران/ ۱۰۵)

وی با استناد به آیه فوق، سعی داشت در ذهن مخاطبانش این شبهه را ایجاد کند که باران امیرالمؤمنین(ع) به وحدت و انسجام جامعه اسلامی توجه ندارند. پس از سکوت معاویه، کمیل سخنان او را با آیه ۲۱۳ سوره بقره پاسخ داد. پس از او، برخی دیگر مانند مالک و صمصعه نیز پاسخ گفتند. نام صمصعه در میان افرادی که به تهجیز و تدفین ابودر همت گماشتند نیز دیده می‌شود.



یادداشت

الزام حضور در نبردهای منطقه

علیرضا جلالیان
پس از ظهور پدیده داعش و تروریست‌هایی که خاک سوریه را جولانگاه تاخت‌وتاز خود قرار دادند تا ضربات مورد نظر دشمنان اسلام را بر بیکره مقاومت وارد آورند، ورود مستشاری رزمندگان سپاه قدس در حمایت از جبهه مقاومت سبب شد تا معادلات نظامی به گونه دیگری رقم بخورد. تجربه حضور نظامیان ایرانی در نبردهای منطقه، به ویژه نبردهای جبهه مقاومت غنیمتی بزرگ است؛ چراکه بررسی ارتش‌ها و نیروهای که محتمل به تقابل نظامی با جمهوری اسلامی ایران هستند، یک الزام راهبردی برای نیروهای مسلح به شمار می‌آید. به همین دلیل، امروز شاهد آن هستیم که جدای از مستشاران نظامی سپاه پاسداران که اغلب تجربه جنگ هشت ساله و حضور در جنگ‌های بوسنی، افغانستان، لبنان و… را دارند، مستشاران نظامی ارتش جمهوری اسلامی ایران هم در برخی موارد در این عرصه حضور پیدا می‌کنند.

این حضور یک الزام راهبردی برای نیروهای مسلح است که توان ارتش‌های دشمن را واکاوی کنند. یکی از راه‌های این واکاوی جدای از مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعه میدانی است. باید توجه داشت که این الزام تنها برای جمهوری اسلامی به سبب ماهیت ضدّ استکباری آن نیست؛ بلکه امروز تمام ارتش‌های قدرتمند جهان سعی دارند در کارزارهایی که دشمنان و رقبای آنها حضور دارند، حاضر باشند و ساختار نیروی مسلح دشمن، تاکتیک‌ها، اقدامات عملیاتی و سطوح راهبردی آن را بررسی کنند و برای نبرد آینده متناسب با توان دشمن اقدام متقارن انجام دهند. این راهبرد در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با اقدامات لازم در نبرد ناهم‌تراز الزام دارد؛ یعنی نیروهای مسلح مبتنی بر آنچه دشمن در این عرصه‌ها به میدان می‌آورد، از قبیل تسلیحات، نیرو و طرح‌های عملیاتی و موفقیت یا شکست عملیات‌ها و مطالعه مورد به مورد میدانی آنها و تبدیل این تجربیات میدانی به دانش، فضای مطالعاتی را برای طراحی بهترین روش‌های مقابله با دشمن در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نیروهای مسلح فراهم می‌کند. همین امر سبب شده است که امروز عملاً نیروی دریایی ارتش ایالات متحده آمریکا با وجود عده و توان بالای لجستیکی و ایجاد یکی از هشت فرماندهی دریایی خود در آب‌های آزاد، در خلیج‌فارس در مقابل نیروی دریایی سپاه زمینگیر و تابع شود؛ چراکه پس از پایان دفاع مقدس به سرعت مطالعات لازم برای ایجاد توان ناهم‌تراز در نبردهای مختلف، از جمله جنگ خلیج‌فارس انجام شد و بلافاصله مطالعات جنبه عملی پیدا کرد. همین‌طور در عرصه نبردهای زمینی ابتدا نیروی زمینی سپاه و سپس نیروی زمینی ارتش نیز چنین اقداماتی را انجام دادند. در عرصه‌های دیگر، مانند هوافضا و پدافند نیز همه اقدامات بر این مبنا صورت گرفته است. گفتنی است، امروز این مطالعات و اقدامات عملی آن تداوم دارد؛ زیرا جبهه نبرد گسترترش یافته و برخی از ارتش‌های مزبور و گروه‌های تروریستی وارد میدان شده‌اند. بر اساس این، در واقع حضور در میدان‌های نبرد منطقه نه‌تنها توجیه اعتقادی دارد، بلکه یک الزام اساسی و عقلی به شمار می‌آید.

ماه مبارک رمضان از شریف‌ترین ماه‌ها است. در این ماه خداوند درهای رحمت را بر روی بندگانش باز می‌کند.

دو تا از فصل‌های صحیفه سجادیه به این ماه اختصاص دارد و از ماه مبارک رمضان به احسان الهی، ظهور و پاک کردن یاد شده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: هر کس در این ماه شر خود را از مردم بازدارد، خداوند غضب خود را از او باز می‌دارد. ماه مبارک رمضان باید برای همه در همه ابعاد، به خصوص جانی، مالی و آبرو امنیت داشته باشد. همچنین باید بتیم‌ها را در این ماه گرامی بداریم.

مؤمنانی که به دلایل ضعف، مرضی و مسافرت روزه نمی‌گیرند، نگویند که ما دیگر با ماه رمضان کاری نداریم، بلکه ثواب این ماه شامل همه می‌شود.

برخی از اصحاب حضرت رسول(ص) گفتند ما به اذکار مداومت داریم، پس باید در بهشت درختان زیادی داشته باشیم. ایشان فرمودند: بله خیلی درخت دارید، به شرطی که آتشی نفرستید که همه آنها را بسوزاند؛ یعنی مواظب باشید با گناهان خود اعمال‌تان را حیط و ضایع نکنید.

راه درختی که می‌کاریم مدتی سرسبز است و بعد کم‌کم دوران پیری آن می‌رسد و خشک می‌شود؛ دنیا نیز همین‌طور است. عمرها، کوتاه است و همه رو به نیستی می‌روند؛ انسان، حیوان، گیاه و درختان نیز همه پایانی دارند، ولی آن هستی اصلی که آخر و پیری ندارد، سرای آخرت است که جاودانی است و باید به فکر آبادی آن نیز باشیم.

بهره‌مندی از قرآن

این ماه، ماه بهار قرآن است، نباید قرآن را کنار گذاشت. خوشبختانه توجه به قرآن کریم در ماه مبارک رمضان بیشتر است. من توصیه می‌کنم، هر چه بیشتر با قرآن آشنا و مأنوس شوید؛ چرا که قرآن، بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

قرآن و عترت دو میراث گرانبهایی است که پیامبر اسلام(ص) در میان مسلمانان به امانت نهادند و ما باید قدردان این دو نعمت الهی باشیم. متأسفانه در برهه‌ای از تاریخ آن طور که باید و شاید به جایگاه خاندان رسالت توجه نشد، تا جایی که متأسفانه در منابر خلافت اموی امیرالمؤمنین مورد دشنام قسرامی می‌گرفتند و امامان معصومان ما به طرق مختلف هتک حرمت می‌شدند.

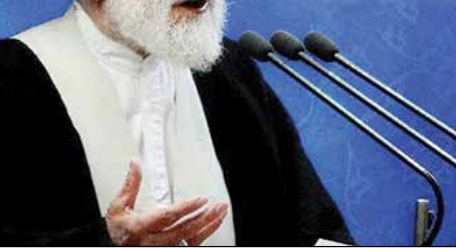
حضرت آیت‌الله شیخ‌احمد جنتی

گناه سبب قطع رحمت الهی می‌شود

خوشبختانه قرآن کریم معجزه جاویدان پیامبر گرامی اسلام و یکی از دو میراث ارزشمند پیامبر اسلام(ص)، اکنون در میان ما دست‌نخورده باقی است و ما می‌توانیم باید از این فرصت استفاده کرده و مانع مهجوریت قرآن بشویم.

قرآن کریم به درک صحیح انسان از پدیده‌های مادی و معنوی کمک می‌کند، انسان با تدبر و تأمل در قرآن به شناخت می‌رسد. اثر این شناخت، رسیدن به این حقیقت است که عالمی غیر از این دنیا وجود دارد و حساب و کتابی در کار است و خلقت انسان عبث نبوده است.

مطابق تصریح قرآن کریم، هر آنچه در آسمان و زمین است خداوند را سجده می‌کند، سجود نهایت مرتبه خضوع و خشوع ثواب این ماه شامل همه می‌شود.



برخی از اصحاب حضرت رسول(ص) گفتند ما به اذکار مداومت داریم، پس باید در بهشت درختان زیادی داشته باشیم. ایشان فرمودند: بله خیلی درخت دارید، به شرطی که آتشی نفرستید که همه آنها را بسوزاند؛ یعنی مواظب باشید با گناهان خود اعمال‌تان را حیط و ضایع نکنید.

راه درختی که می‌کاریم مدتی سرسبز است و بعد کم‌کم دوران پیری آن می‌رسد و خشک می‌شود؛ دنیا نیز همین‌طور است. عمرها، کوتاه است و همه رو به نیستی می‌روند؛ انسان، حیوان، گیاه و درختان نیز همه پایانی دارند، ولی آن هستی اصلی که آخر و پیری ندارد، سرای آخرت است که جاودانی است و باید به فکر آبادی آن نیز باشیم.

دوشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۵ / ۷ رمضان ۱۴۳۷/شماره ۲۵۳

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی

نقطه‌نظر

پایبندی به عهد، عامل پیروزی

آیت‌الله‌سیدهاشم بطحایی*

از جمله میزرات بشر بر حیوان، اراده و ثبات در عقیده و آرمان است.بی‌ارادگی و پایبندی نبودن بر عهد و پیمان، سبب سردرگمی و در نهایت شکست انسان می‌شود.در دعای معروف کمیل، امام متقین علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) که خود اسستوره اراده و مقاوم در عهد و پیمان است، عرض می‌کند: «اللهم قُوْ علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزمه جوانحی» روح و روان مرا از عزم و اراده قوی برخوردار فرما. قرآن کریم دلیل سقوط آدم را از جایگاه امن و آرام بهشت به زمین پردر‌سمر، بی‌ارادگی و پایبندی نشدن به عهد و پیمان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ قَبْسِي وَ لَمْ يَجِدْ لَهُ عَزْمًا»همانا با آدم پیمان بستیم، ولیکن فراموش کرد و در او عزم و اراده نیافتیم(طه/ ۱۱۵). قرآن کریم در جای دیگر، پیمان‌شکنان را با ضرب‌المثلی که احیاناً در جاهلیت صدقایی داشته از عقب‌نشینی از عهد برحذر می‌دارد و آن را نوعی حماقت و تهی‌اندیشی به شمار می‌آورد و می‌فرماید: «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَفَّسَتْ رُحُلُهُا مِنْ بَعْدِ قَوْهٖ اَنْكَاثًا» نباشید، مانند زنی که پنبه‌های خود را از صبح تا غروب رشته می‌کرد و قوی می‌ساخت، سپس آن را واهی‌تابید و به صورت اول در می‌آورد (نحل/ ۹۲).

در راستای این بحث، قیام و انقلاب ملت ایران است که باید از هشدارهای قرآن و تاریخ پند گرفت که مبدا مانند پیمان‌شکنان تاریخ مورد سرزنش و نکوهش آیندگان، پیامبران و خداوند متعال قرار بگیریم.

مبادا مانند طلحه و زبیرها دست از پیمان با امام امت و رهبر معظم انقلاب در حفظ و حراست از آرمان انقلاب که اسلام ناب باشد بکشیم که نعوذبالله رسوای دنیا و آخرت می‌گردیم؛ بلکه باید آن‌طور که شهید، کار حسینی کردند، ما نیز کار زینبی کنیم.

ماامیدمان به حضرت بقیه‌الله‌الاعظم (روحی لتراب مقدمه‌الغداء) است و ما به موسای زمان‌مان بیش از آنچه که بنی‌اسرائیل به موسای آن زمان معتقد بودند، معتقدیم. البته یک امتحان و یک آزمون به وجود آمده است. به تعبیر قرآن «وَلَا يَزُوْنُ اَنْهَمُ يَفْتَنُوْنَ فِیْ كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً اَوْ مَرَّتَیْنِ»؛ یعنی آیا نمی‌بینند که در هر سال یک بار و یا دو بار آزمایش می‌شوند. الآن ملت ما در معرض امتحان است. اینکه ما می‌گوییم «لَلّٰهِمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَیْکَ فِیْ ذٰلِکَهِ کَرِیْمَةً نَعُوْ بِهَا الْاِسْلَامَ وَ اَهْلُهُ» بحمدالله این درخواست تا اندازه‌ای در این سرزمین تحقق پیدا کرده است و این ملت ما هستند که الآن باید این ذکر را که ما در ماه رمضان در دعای افتتاح «لَلّٰهِمَّ اِنَّا نَرْغَبُ…» را سر می‌دهیم عملی کنند، بحمدالله در این مملکت ندای ملکوتی امام راحل (رضوان‌الله تعالی) و همت ملت و وفای مردم باوفا و اینک هم خلف صالح آن رحیل عزیز، یعنی رهبر معظم انقلاب و ملت باوفاطین‌انداز شده‌است.

*** عضو مجلس خبرگان رهبری**

گزارش خبرنگار صبح‌صادق از تشییع پیکر مطهر شهید مدافع حرم رضا خرمی

وداعی عاشقانه در آستانه یک میهمانی

کریم زارعی

حسرت یا لپتتی کتا معک...

زیارت عاشورا که شروع می‌شود، تحمل مصیبت قدری

آسان می‌شود؛ گویا هر فراز از این زیارت در مجلس شهید

تفسیری تازه یافته بود.

عبارت «لایوم کیومک یا ابا عبدالله» که از زبان مداح جاری می‌شود، آخرین بغض‌های خفته در گلو می‌شکند. آن وقت که حرامیان داعشی وحشیانه و با مدرن‌ترین تسلیحات آمریکایی و حمایت همه‌جانبه کشورهای غربی و عربی اسبها را نعل تازه زدند تا سرسمتانه حریم اهل‌بیت پیامبر(ص) را جولانگاه تاخت‌وتاز خود قرار دهند، هرگز باور نمی‌کردند که دلاورمردانی چون شهید رضا خرمی هستند که در حسرت «یا لپتتی کتا معک» عمری را به انتظار نشسته‌اند تا ایثار جان خود مانع تکرار اجازه بدهند خانواده شهید بر بالین پیکر عزیزشان حاضر شوند؛ همسر شهید و دو فرزند دختر و یک پسر یک‌سال‌وَنیمه به نام ابوالفضل!

عاشقانی که با هزاران امید با شهید حرم وداع می‌کنند و از او طلب شفاعت دارند، جدا می‌شود و بر دستان انبوهی از جمعیت در میان فضایی آکنده از عطر سلام و صلوات تا منزل شهید تشییع می‌شود.

در ایستگاه آخر لحظه وداع با شهید فرا می‌رسد و راستی چه سخت بود این لحظه جدایی و نوای امان از دل زینب! باز هم روضه وداع امام حسین(ع) اشک را بر چشمان جاری می‌سازد و دمی دل را آرام می‌کند. در همین هیاهوی ذکر مدام یا حسین(ع) بود که پیکر شهید میهمان خوان کرم سرور و سالار شهیدان شد.

خوشا به سعادت‌شان!

وقتی با چند جانباز قطع نخاعی حاضر در مراسم که رفاقتی دیرینه با این شهید بزرگوار داشتند، صحبت کردیم، به این جملات بسنده کردند: «او بسیار در کارش متخصص و یک

مربی خوب بود. واقعاً حیف که این چنین بچه‌هایی را از دست دادیم. خلأ وجودشان قابل جبران نیست. آقا رضا بچه خونگرم، دلسوز، بسیجی و ولایی بود. همه این خصوصیات در شهدای ما موج می‌زند. خوششا به سعادت‌شان. اینها کسانی بودند که با جان و دل پای کار ایستادند تا لحظه آخر که با خون خودشان این حرکت را تأیید کردند و نشان دادند قابل بودند که خداوند انتخاب‌شان کرد و خوشا به سعادت‌شان که شهید شدند.»

آرزوی مادر شهید و فداکاری دیگری برای ولایت

در پایان مراسم خدمت خانواده شهید خرمی رسیدیم و وقتی به آنها تبریک و تسلیت گفتیم، مادر شهید جمله‌ای را بر زبان آورد که پاسخ دندان‌شکنی به همه معاندان و دشمنان اسلام بود. او گفت: «من یک پسر و شش دختر دارم. کاش باز هم پسری داشتم و او را برای رهبر می‌فرستادم. هم‌هاش در سوریه پیش آقای سلیمانی بود. چقدر آقای سلیمانی را دوست داشت. کاش باز هم فرزند داشتم و به کمک آقای سلیمانی می‌فرستادم.»

سردار بر بالین فرزندان اسلام

حاج قاسم سلیمانی هم از حضور در مراسم تشییع پیکر پاک این شهید غافل نشد و پیش از آیین وداع باشکوه، به خیل عظیم مردم در میدان ۱۷ شهریور پیوست. شهید مدافع حرم رضا خرمی در جریان انفجار بمب انتحاری تروریست‌های تکفیری در منطقه خلسه در جنوب‌خان‌طومان به شهادت رسید؛ او متولد ۱۳۵۱ بود و به عنوان مستشار نظامی عازم سوریه شد. خرمی از مربیان متخصص زنده نظامی و ساکن جنوب شهر تهران بود. از این شهید مدافع حرم دو دختر و یک پسر یک‌سال‌وَنیمه به نام ابوالفضل به یادگار مانده است.



قبیله آفتاب

فکر کشور باش نه خانواده

یک شب، یکی از آشنایان به منزل‌مان آمدند و در مورد دفاع از میهن و رفتن به جبهه صحبت کردند، از آن شب محمدعلی دوباره حال و هوای جبهه را پیدا کرد. می‌گفت به عنوان یک پاسدار باید وظیفهام را بهتر از این انجام دهم. وقتی دیدم که هر روز مصمم‌تر از روز قبل می‌شود، از او خواهش کردم با توجه به اینکه دو دختر دارد حداقل به خط مقدم نرود و گفتم:

بعد از تو با این بچه‌ها چه کنم؟

گفت: ما دو فرزند داریم و مادری مثل تو می‌تواند جای مرا بگیرد، فکر کشور باش، نه خانواده. اگر من برگردم مشکلی نیست، ولی اگر یک کشور پدري مثل امام خمینی(ره) نداشته باشد مشکل است و بدان خدا هیچ بنده‌ای را تنها نمی‌گذارد.

به روایت از همسر شهید محمدعلی (رضا) احمدی

محمدعلی در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای متدین و باصفا و معنوی در شهرستان آباده متولد شد. در سن پنج سالگی با سختی‌های فراوانی به مدرسه رفت. با موفقیت دوره ابتدایی را به پایان برد و هر سال شاگرد ممتاز شناخته می‌شد. از ده سالگی به انجام فرایض دینی مقید و از شروع تکلیف مقلّد حضرت امام(ره) بود. تحصیلات متوسطه را همچون دوره ابتدایی با نمرات خوب به پایان رساند و در ۱۶ سالگی با معدل عالی مدرک دیپلم را دریافت کرد، سپس وارد سپاه شد. با دختری پاکدامن و از خانواده‌ای مذهبی ازدواج کرد و صاحب دو فرزند شد. عشق عمیق و روح بلند شهید احمدی مانع از آن بود که به حداقل‌ها راضی شود؛ از این رو همیشه طالب بالاترین سعادت‌ها بود. در دفاع مقدس شرکت کرد. به فرماندهی گردان رسید و با شایستگی و توانمندی، نیروهای تحت امرش را هدایت کرد، تا اینکه بیستم دی ماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه با نیروی دشمن تن‌به‌تن درگیر شد و در اثر اصابت گلوله به گلو و سینه‌اش به درجه رفیع شهادت نائل آمد.